

در سه قرن گذشته، ادبیات نقش مهمی در روسیه داشته است. ادبیات جهت دهنده واقعی روح بوده، بر قلب و ذهن انسانها تأثیر گذاشته و در کل عقاید عمومی را شکل داده است. ادبیات قدرتی بود که با قدرت سیاسی رابطه نزدیکی داشت و همین، نقش ویژه نویسنده را در روسیه مشخص می کند. نویسنده با شاعر روس در عین حال، تاریخ دان، فیلسوف، روشنفکر، ایدئولوژیست، پیشگو، هدایتگر و بالاخره وجدان ملت به حساب می آمد. اگر چه تزار، اوکین سانسورگر آثار پوشکین بود با این حال پس از مرگ پوشکین متعهد شد که تمام قرضهای او را از خزانه دولت بپردازد و این کار بیش از آنکه نشاندهنده فرهنگ دوستی امپراتور روس باشد، نشاندهنده وضعیت اقتصادی نویسندگان روس در طول تاریخ است.

بلشویکیها کاملاً از قدرت نویسندگان و تأثیر آثارشان بر مردم آگاهی داشتند و هنگامی که به قدرت رسیدند برای نویسندگان روسی، انجمن ادبیاتی تحت عنوان «اتحادیه نویسندگان جماهیر شوروی» تأسیس کردند و بخاطر موقعیت ویژه نویسندگان، این اتحادیه توسط همه قدرتهای سیاسی از استالین تا برژنف حمایت شد. این اتحادیه توسط دو گروه قوی (نویسندگان و دولت) پیوسته تقویت می شد و زیر نظر پلیس مخفی بود. پذیرفته شدن در این اتحادیه برای نویسندگان با استعداد جوان، مانند بالا رفتن از کوه «المپ» سخت بود.

در آغاز دهه سی قدرت سیاسی حاکم برای وادار کردن نویسندگان به پیروی از اهداف سیاسی خود اصطلاح جدید «رتالیسم سوسیالیستی» را مطرح کرد که با کتاب ماکسیم گورکی ارائه شد. این تئوری ناموفق به سرنوشت نسلهای زیادی از نویسندگان آسیب زده؛ به طوری که حتی طراحان این نظر نیز از طرف قدرت بی رحم حاکم آسیب دیدند. اسامی نویسندگان مستعدی که قربانی حکومت و مدعی مزاج و پلیس مخفی شدند، کم نیست.

شرایط زندگی در شوروی به گونه ای بود که هر نویسنده می کوشید به این انجمن راه یابد زیرا عضویت در انجمن حداقل امنیت اجتماعی آنان را حفظ می کرد. از طرفی، عضویت به معنای دستیابی به خزانه ادبی ای بود که از زمان تولستوی و داستایوفسکی برای حمایت از نویسندگان بی بضاعت مقرر شده بود. همچنین عضویت در اتحادیه به نویسندگان اجازه می داد که به گونه ای مستقل کار کنند. ژوزف برادسکی^(۱) به جرم «مفت خور و تبیل بودن» توسط دادگاهی در لنینگراد به بیست سال تبعید از کشورش محکوم شد فقط برای اینکه بدون عضویت در اتحادیه نویسندگان شعر می سرود. در جامعه شوروی طبق قانونهای مقرر شده شاعرانی که کارت عضویت در اتحادیه نداشتند، حق سرودن شعر هم

نداشتند.

در زمان گورباچف - دوره گلاسنوست^(۲) - که انتشار، آزاد شد، تقریباً همه آثار نویسندگان، فیلسوفان و جامعه شناسان روسی و غیر روسی چاپ شد. حال آنکه آنان قبل از این دوره کمترین شانس برای چاپ و انتشار آثارشان نداشتند. حجم ادبیات روسی به طور غیر منتظره ای افزایش یافت و آثار تبعیدیان، نویسندگان فوت شده و مهاجران^(۳) منتشر شد. در این زمان اتحادیه نویسندگان از هم پاشید و در میان گروهها ناسازگاری ایجاد شد.

امروزه، انجمنهای گوناگونی که تضاد سیاسی و عقیدتی شان باعث جنگ بر سر خزانه ادبی شده است، وجود دارند. در عوض خواننده روسی در قرن بیستم برای اوکین بار توانسته است به حوزه کامل ادبیات دنیا دسترسی پیدا کند و برخلاف سالهای اولیه «پروستوریکا»^(۴)، امروزه گرایش به ادبیات، تصادفی نیست.

ادبیات امروز روسیه تقریباً از هر نظر (خلاقیت، انتشار مجلات و ...) فلج شده است. این وضعیت به علت تزلزل سیاسی و اقتصادی کشور می باشد. در گذشته کتابهای کودکان روسی در دنیا در شمار ارزاترین کتابها بودند ولی حالا قیمت کاغذ، مقوا، چاپ، خدمات فنی و ... بسیار افزایش یافته است. ارزش یک کتاب کودک که با گذشتن از موانع و مشکلات زیاد به بازار می رسد فرای قدرت مالی خریدار است. حالا نویسندگان و کتابفروشان از قدرت انحصاری دولت آزاد شده اند و این خوب است ولی نویسندگان سودجو سلیقه هایشان را به ناشران تحمیل می کنند و این، باعث راه یافتن فرهنگ مبتذل به روسیه می شود. قیمت کتاب بالاست. تضمینی برای فروش در بازار وجود ندارد پس ناشران از انتشار خودداری می کنند و در جواب نویسنده ای که منتظر چاپ کتابش است همواره می گویند: «مجوز فروش پیدا کن، فوراً چاپش می کنیم!»

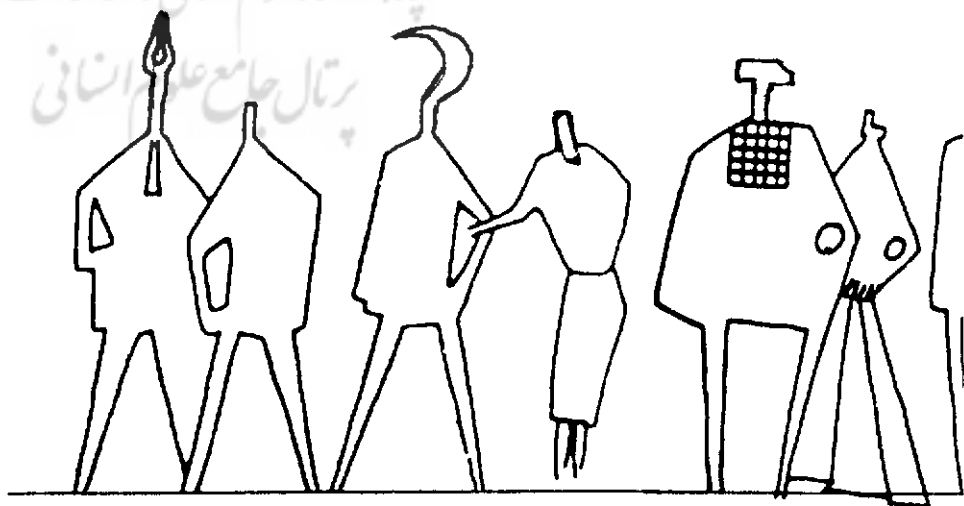
ناشران پیوسته به خاطر ضرر شغلشان را تغییر می دهند. در شرایط جدید خیلی ها ورشکسته شده اند و تنها چند ناشری که توانسته اند از شرکتهای خارجی پشتیبانی مالی دریافت کنند، هنوز سرپا هستند. این به معنای لزوم تغییر روش است. نشر کتابهای کودکان از طرف ناشران خصوصی و ملی در سطح گسترده نشان می دهد که دولت فرهنگ را به حال خود رها کرده است. از طرف دیگر ناشران روزنامه و مجلات کودکان که در قدیم تیراژ بالایی داشتند، روزهای سختی را می گذرانند. «ادبیات دستکاجا»^(۵) مجله منحصر به نقد ادبی در روسیه ناامیدانه برای ماندن تلاش می کند. پانزده سال پیش والتر اسکرف^(۶) این روزنامه را «آینه ادبیات کودکان دنیا» نام نهاد. این مجله به مدت شصت سال با

ترجمه: رامک نیک طلب

وضعیت

نویسنده در

روسیه



نیرازی بین ۶۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ منتشر شده است و امروز گفته می شود که انتشار مجله ای با این نیراز بسیار گران تمام می شود. دولت سعی می کند قیمتها را در حد مالی خوانندگان نگهدارد ولی امیدواری به کمک دولت، امیدی واهی است. «ادبیات چپودو ژستواناجا»^(۳) به مرز نابودی رسیده است. بودجه ای که پس از کسر بودجه های نظامی و اقتصادی و ... برای فرهنگ و ادبیات می ماند، فقط دو درصد است.

امروزه، بیش از پیش به گذشته با احساس غربت نگاه می کنیم، به زمانی که از انواع اشکال ادبی توسط دولت حمایت می شد، به زمانی که دولت هزینه های مالی را متقبل می شد و با کمکش هنرهای «باله» و «اپرای روسی» به سطح جهانی رسید و مجموعه های بی نظیری در «هرمیتر سنت پترزبورگ» و «موزه هنری «تی کف»^(۴) مسکو گرد آمد. کسانی که فرهنگ را به کشور منتقل کردند. به هر حال سالهای زیادی باید بگذرد تا شغل های معتبر با وجدان اخلاقی عالی دوباره جزئی از زندگی شود و حال، بی علاقه گی، دلسردی از آفرینش و افسردگی روانی بر نویسندگان، ناشران و منتقدان سایه افکنده است. به ویژه آنکه فقر اقتصادی باعث ناامیدی نویسندگان می شود؛ نویسندگانی که عجلانه و زیاد در این بازار ملاحظه می نویسند و می خواهند به شرکت نشر یا مجله ادبی خود نظم دهند که با تحمل هزینه های گزاف به دنبال کسب شهرت هستند و معمولاً با ناکامی روبه رو می شوند. این مایه تعجب نیست. «استیفان پلش»^(۵) نویسنده آلمانی می گوید: «نویسندگان آلمان اقتصاددانان درمانده ای هستند، رؤیاهایشان با بازار اقتصادی جور نیست.» درباره رؤیایافان روسی این موضوع به گونه ای دوبرابر مصداق دارد. توان نویسندگان مستعد و خلاق در گذشته صرف غلبه بر سدهای سرزنش و حکمهای تحریم و توقیف شده است. حال زمان آن رسیده که ریه های خود را از هوا پر کنند و با تمام قدرت فریاد بزنند، فریادی که سالها آن را در گلو خفه کرده اند.

امروزه، چه نویسندگانی که در خدمت رژیمهای حاکم نوشته اند و چه آنهایی که ضد رژیمها بوده اند هر دو، در موقعیت یکسانی قرار دارند. فقط نویسندگانی که ادبیات را وسیله ای برای زنده ماندن و به دست آوردن مزایا و امتیازها قرار داده بودند باید بیشتر سرزنش شوند چون آنان اعتبار و آبروی نویسندگان روسی را از بین برده اند. متأسفانه باید بپذیریم که در چشم میلیونها نفر از جمعیت کتابخوان امروز، روسیه اعتبار ادبی گذشته را ندارد.

«چه کسی را باید سرزنش کرد؟ و چه باید کرد؟» برای پاسخ به این سؤاها که مدتهاست ذهن نویسندگان و متفکران را به خود مشغول کرده است باید تغییرات و تحولاتی را که در تاریخ معاصر روسیه به وقوع

پیوسته، مورد بررسی قرارداد.

گروهی از نویسندگان که معتقد به ارزشهای انسانی و حامی اصلاح طلبی و همانند دیروز، پایبند به ایده های دموکراسی و آزادی هستند در جواب می گویند: «ما سرزنش می شویم» و آگاهانه گناه کوتاهی کردن در زمینه ادبیات و وطنشان را به گردن می گیرند. در سمت دیگر، وطن پرستان ملی هستند که در خدمت رژیم سابق کار می کردند و حالا صلاحیتشان را برای فعالیت دوباره از دست داده اند و آرامشان به خطر افتاده است. آنان جواب می دهند: دشمنان ما سرزنش می شوند؟ آنان باید رسوا شده، از بین بروند. نویسندگان به اصطلاح ملی به آنان می پیوندند و از پاکسازی نژادی هنر روس دفاع می کنند. رهبر این گروه، اعلامیه مشهور به «مردم» را تنظیم و امضاء کرد، اعلامیه ای که مقدمه خوبی برای «کودتای آگوست» بود. آنان که خودشان را نویسنده می نامیدند پیکره او جنیر او توشنکو^(۶) شاعر روس را جلوی ساختمان اتحادیه نویسندگان - ساختمانی که قهرمانهای رمان «جنگ و صلح» تولستوی در آنجا می زیستند - به آتش کشیدند و در تابستان گذشته جلوی بلندترین برج کشور - برج تلویزیون - روزها رژه ضربتی ترتیب دادند که بعد به اقدامی ضد توده تبدیل شد و منجر به گرفتن مرکز تلویزیون شد.

امروز، همه نویسندگان مشکلاتی دارند و مشکلترین چیزها پذیرفتن این حقیقت است که نویسندگان زمانی به آزادی خواهند رسید که به تقاضای بازار فروش تن دهند. در حالی که روح خلاق نویسنده با این موضوع سازگار نیست. البته در این میان استثناهایی نیز وجود دارد. برای نویسنده روس، مهمترین مسأله به دست آوردن وجدانی جدید و غلبه بر ترس فلج کننده است. □

پانویس:

- ۱- Joseph Brodsky شاعر روسی و برنده جایزه ادبی نوبل.
- ۲- glasnost.
- ۳- قبلاً گفته می شد که ادبیات روسیه سه گروه نویسنده دارد: (۱) نویسندگان رسمی (۲) نویسندگان در اردوگاهها (۳) ساکنان خارج از کشور.
- ۴- Perestronika.
- ۵- Detskja literature.
- ۶- Walter Scharf.
- ۷- Chudojhestvennaja Literature.
- ۸- Tretyakov Gallery.
- ۹- Steffen Peltsch.
- ۱۰- Evgenij Evtushenko.

پرتال جامع علوم انسانی

